درخت تو گر بار دانش بگیرد  به زیر آوری چرخ نیلوفری را

نمونه سوالات امتحانی دی ماه

## آیا با بسته جهش کانون آشنا هستید؟

**یکی از ابتکارات امسال کانون فرهنگی آموزش( قلم چی) بسته جهش می‌باشد که در ۳ حوزه ، فرایند آموزش شما را تکمیل خواهد کرد و باعث پیشرفت نمرات شما در مدرسه میشود.**




✓ **آزمون های تشریحی کانون از دوم دبستان تا دوازدهم: با هدف تمرین بیشتر و بهبود نمرات در مدرسه و امتحانات نیمسال اول و دوم**




✓ **فیلم های آموزشی آفلاین پیشرفت: تدریس توسط مجرب ترین دبیران پرمخاطب کشور، منطبق بر برنامه آموزش و پرورش و کتاب درسی با هدف پیشرفت در مدرسه**




✓ **نرم افزار پلکان یادگیری: شامل آزمون‌های تستی و تشریحی در سطوح مقدماتی و پیشرفته، با امکان ساخت آزمون در هر سطح دشواری**



kanoonBook.ir

**برای دریافت جایزه ویژه از کانون بوک و یا آشنایی بیشتر با بسته جهش کانون، عدد ۳۳ را به سر شماره ۹۰۰۰۸۴۵۱ ارسال کنید.**

www.kanoon.ir

نام:

بسمه تعالی

**بقاو توسعه ی جامعه صالح نیازمند مدرسه صالح است.**

**کلاس:** ۷/

**دبیرستان دوره اول شاکرین**

**نام دبیر:**

**سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴**

**شماره:**

تاریخ: ۱۴۰۵/ ۳/

نام درس: املا

**محل مهر**

زمان : دقیقه

آزمون : ترم دوم

نمره:

من اکنون درست نمی دانم در آن لحضاتی که در طبیعت بودم تا کجا می فهمیدم و نمی دانم چه فهمی از آن زیبایی ها و آفرینش الهی داشتم اما یقین دارم در کلاس شگفت آفرینش و زیبایی طبیعت ، عضمت و جلال و جازبه ی خالق را با همه ی وجودم لمث می کردم.

اسکندر در اسنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به هیرت فرو رفت. زیرا مدت حیاط صاحبان قبور که بر روی سنگها هک شده بود هیچکدام از ده سال تجاوز نمی کرد.

مقسود از زندگی این نیست که دائماً در کوشش و اظطراب باشید ساعاتی که در مساحبت دوستان می گذرد در ردیف اوقات طلف شده نیست.

پیامبر اسلام با مهر و عتوفت و رأفت رفتار می کرد. در میان جمع گشاده رو بود و در تنهایی صیمایی محزون و متفکر داشت. پس از ظهور اسلام و تشکیل حکومت اسلامی و گرد آمدن ملل گوناگون در زیر پرچم اسلام ، تمدنی عزیم و بسیار کم نضیر به وجود آمد که تاریخ ، آن را به نام تمدن اسلامی می شناسد.

"دونا" معلم مدرسه ی کوچکی بود و دو سال تا بازنشستگی فرست داشت. من هم به عنوان بازرس در کلاس ها شرکت می کردم و سعی داشتم در امر آموزش ، تسحیلاتی را فراهم آورم.

زیر آن ملافه ی سفید که درست مثل کفن بود آدم آهنی ساکت بود ولی شب ، وقتی باد از بیرون به داخل سالن نمایشگاه می‌وزید و با خود رایحه ی گل های درخت بلوت و صدای خشخش برگ هایش را می آورد ، صدای شکسته و آهسته ای از زیر ملافه‌ی سفید می آمد به نظر می رسید که کسی چیزی یاد می گیرد و دایم می گوید : به او آصیب رسید ، او کشته شد ...